

گذارده و اسبابها را به خود آن زن برگردانیدند. متصدی این حراج آقامیرزا احمدخان بود و آقا میرزا سید علی پسر آقا سید عبدالله مجاناً ده تومان دادحاجی فرج الله پنج تومان مجاناً داد حاجی سید ابوالحسن النگوی طلا را که هیجده تومان و پنجهزار قیمت کرده بودند در سی تومان برداشت دو مطلقه شال و بعضی اسباب دیگر را نیز خریده پول را دادند اسباب را به خود آن زن برگردانیدند .

انجمن های مخفی که شعبات انجمن انصار می باشند متعدد و خوب هم کار می کنند . در انجمن مخفی که بنده نگارنده عضویت دارد اسباب (ژلاتین) مهیا شد و بعضی شبنامه ها به قلم ارشدالدوله و آقا سید برهان خلیفائی نوشته می شود طبع و توزیع می شود . آقا سید علاء الدین اعتماد الاسلام به اعانت پسرهای آقا سید عبدالله و بعضی دیگر مشغول تقسیم زمین های درشت که از تصرف فرمانفرما انتزاع کرده می باشند . نصر السلطنه سپهدار هم برای حفظ شرف و رفع تکفیر مشغول پاشیدن پول و رشوه دادن به این و آن می باشد .

روز سه شنبه ۲۰ محرم ۱۳۲۵ - مذاکرات مجلس اولاً - قرائت صورت قانون رشوه که خلاصه آن از این قرار است : عمال دیوان در صورت گرفتن رشوه محکومند به رد مبلغ مزبور و خلع شدن راشی و مرتشی از شئونات و خدمات دولتی مادام العمر و قطع شدن مرسوم او . صورت دیگری هم قرائت شد که مضمون آن از این قرار است :

راشی و مرتشی خلع از مناصب و قطع مرسومات و مواجب آنها و استرداد وجه از مرتشی به راشی در صورت حرمت و در موقع لزوم و ضرورت تعزیر هر يك به نظر حاکم شرع جامع شرایط .

دیگر خواندن لایحه که احسن الدوله نوشته بود که صورت آن از این قرار است : چند روز است که در مجلس به غیر از مطالب اظهاریه دولتی مذاکره به میان نیامده اللهم الحمد والمنة باوجود فلاکت و پریشانی که عموم اهالی ایران گرفتار شده اند ، این ملت با غیرت من باب تعصب و دولت خواهی که دست اجنبی داخل کار نشود تکالیف دولتی را برای تأدیة نهصد هزار تومان وجه نقد در حق ارباب حقوق لازمه و تعدیل مالیات و لایتنی برای سنه آتیه از مرکز تهران بدون محاجه به اکثریت آراء در مجلس شورای ملی تصویب و قبول شد . در این صورت هیچ انصاف نیست که وزرای دربار همایونی در نظم و امنیت ولایات و رفاہ حال ملت سلطان پرست که از جان و مال خود مضایقه ندارند به هیچ وجه اقدامی نکرده و تکلیف حکام و مأمورین جزء را معین نکرده ممالک محروسه را به این حالت اغتشاش و ناامنی باقی بگذارند و حال آنکه به موجب فرمان و دستخط های همایونی تمام مقصود و منظور اعلیحضرت اقدس شهرباری خلدالله ملکه آسودگی و امنیت عموم اهالی ایران بوده هست و ابداً راضی به خرابی مملکت و زحمات فوق العاده وجود مبارک خود نیستند باوجود این

به رأی‌العین می‌بینیم که آن‌فاناً از بی‌نظمی ولایات و ناامنی طرق و از ظلم و استبداد حکام مکتوباً و تلکرافاً شکایت‌ها می‌رسد و به هیچ وجه در نظر اولیای دولت محل اعتنا نیست و تکلیف ریاست مجلس است که مراتب را به جاهای لازمه راپورت داده و تحصیل جواب نماید که این قدر مسامحه از جانب کیست؟ و از جهت چیست؟ و یقین دارم اعلیحضرت اقدس شهرباری پادشاه جوانبخت ابداً به این درجه راضی به خرابی مملکت و ملت خود نخواهند بود که در عاقبت مایه ندامت شود. این‌هایی را که عرض می‌کنم جهت دادخواهی است از همه انصاف می‌خواهم شش ماه است مجلس برقرار شده در این مدت يك نتیجه بنظر برسد دیده نشده آخر این‌هایی که اینجا هستند همه کاسیند و کار دارند از کار و کسب دست کشیده‌اند در عوض نتیجه و فایده باید به دست بیاورند همان طوری که رشوه می‌گرفتند می‌گیرند و می‌دهند مجلس باید نتیجه داشته باشد تا یکی یکی در این خصوص رأی ندهند نمی‌شود، چه رشوه چه دزدی تفاوت ندارد. شرعاً حکم این چه چیز است غیر از تنبیه است دیگر موقع مباحثه نیست آقایان باید امروز این مطلب را تمام کنند قانون رشوه نوشته شود، که استرداد پول و مال مردم بشود. دوماوی هم نمی‌خواهیم يك مساوی که گرفته پس بدهد ما دست او را می‌بوسیم.

دیگر در باب قسم یاد کردن و کلاء مذاکره شد رئیس و بعضی از وکلاء در این روز قسم یاد کردند سایرین ماندند برای روز پنجشنبه که قسم را یاد کنند.

روز چهارشنبه ۲۱ محرم — امروز از طرف متحصنین حضرت عبدالعظیم عریضه به مجلس آمده و اظهار ندامت و پشیمانی کرده‌اند که در موقع درج می‌شود. روز گذشته در مجلس بعضی از وکلاء قسم یاد کرده بودند و صورت قسم نامه از این قرار است:

صورت قسم نامه وکلاء مجلس

ما اشخاصی که در ذیل امضاء کرده‌ایم خداوند را به شهادت می‌طلبیم و به قرآن مجید قسم یاد می‌کنیم مادام که حقوق مجلس و مجلسیان مطابق نظامنامه محفوظ و مجری است، تکالیفی را که به ما رجوع شده است مهما امکان با کمال راستی و درستی وجد و جهد انجام بدهیم و نسبت به اعلیحضرت شاهنشاه متبوع عادل مفخم خودمان صدیق و راستگو باشیم و به اساس سلطنت مشروطه و حقوق ملت خیانت ننمائیم و هیچ منظوری نداشته باشیم جز فواید و مصالح دولت و ملت ایران موافق قوانین شرع محمدی صلی الله علیه و آله.

امروز مردم از قسم خوردن و کلاء خوشحال می‌باشند و از ندامت شیخ زین‌الدین و سیداکبر شاه نیز بعضی مذاکرات می‌نمایند.

روز پنجشنبه ۲۲ محرم ۱۳۲۵ — امروز سایر وکلاء هم قسم یاد نمودند جنابان آقا میرزا سید محمد طباطبائی و آقا سید عبدالله بهبهانی هم محض اطمینان قلوب ملت قسم یاد

نمودند از این همراهی حجج اسلام تماشاچیان را مسرت و بشاشت فوق‌العاده روی داده همگی متفق‌الکلمه به صدای زنده باد حجج اسلام مترنم آمده در واقع اگر این وکلاء و این دو نفر آقا عمل به قسم بفرمایند دیگر اهل ایران راحت و آسوده خواهند گشت . عریضه‌ای که از طرف مخالفین از حضرت عبدالعظیم رسیده بود امروز در مجلس قرائت شد و صورت آن از این قرار است :

حضور حجج اسلام و وکلاء عظام و عموم مسلمین دارالخلافت ، به تمام قسم‌های مشروعه سوگند یاد می‌کنیم که ما از اول تاکنون ضدیت بامجلس شورای اسلامی نداشتیم و نداریم اگر بیش از سایرین طالب نباشیم کمتر نیستیم و هیچ وقت طالب نبوده و نیستیم بلکه نهایت جد و جهد به جهت ترویج اسلام داریم و ابداً اگر اصرار از مجلس نداریم و آنچه نسبت ضدیت به ما بدهند کذب و افتراست . مسلم است علماء و مسلمین متفق شدند که مجلس معدلت منعقد و همیشه مترصد احکام این مجلس باشند، منتهی ما هم تظلمی داریم از طرف ملت و دولت درصدد دادخواهی برآیند اظهار نمائیم .

جناب آقاسید عبدالله فرمودند بسیار خوب تظلمی دارند بگویند و تبرئه جویند (۱) ایشان هم برادران ما هستند . جناب آقامیرزا سیدمحمد طباطبائی فرمود تبرئه ایشان را قبول کردیم و تظلمی دارند یکم مرتبه موافق شرع رسیدگی می‌شود بیایند طهران . امروز در مجلس مذاکره شد که دیروز ساعت سه بعد از ظهر (دومای) روس افتتاح شده مناسب این است که تبریکی از طرف مجلس شورای ملی مخایره کنیم و قرار شد که در مجلس بعد صورت تلگراف را بنویسند و اگر وکلاء پسندیدند آن وقت مخایره نمایند .

روز جمعه ۲۳ محرم — امروز در انجمن مخفی مذاکره شد که انجمنی در خانه حاج نایب‌الصدر شیرازی منعقد گردیده به نام انجمن جنوب و اهالی شیراز در آنجا جمع می‌شوند مناسب این است که حضرات کرمانی‌ها نیز در آنجا حاضر شوند بنده نگارنده متقبل گردید که به اهالی کرمان برسانم که عضویت آن انجمن را قبول کنند و با شیرازی‌ها متفق شوند و در تمدن و ترقی جنوب ایران ساعی باشند .

در رشت حاجی خماسی که از علماء رشت است بنای مخالفت و استبداد را گذارده و مردم را تحریک به فساد و ضدیت بامجلس می‌نماید .

روز شنبه ۲۴ محرم — امروز مذاکرات مجلس :

اولاً — قرائت رقعه وزیر داخله بود در باب تعیین دبیر الملک به سمت معاونت وزارت داخله . ثانیاً — در باب تلگراف تبریک به (دومای) روسیه مذاکره شد همگی وکلاء رای دادند

که مخایره شود .

دیگر در باب انتخاب قزوین مذاکره شد که آفاشیخ حسین شهیدی و آقامیرزا حسین طبیب را منتخب نموده اند؛ لکن بعضی مخالفت نموده دو نفر دیگر را منتخب نموده اند. دیگر در باب تلکرافات تظلم اهالی اصفهان مذاکره شد که ماحکومت ظل السلطان را قبول نداریم اگر ظل السلطان از طهران حرکت نماید شورش و انقلابی بزرگ در اصفهان پدید خواهد آمد و قرارداد تلکرافات را بفرستند نزد وزیر داخله تاچه نتیجه دهد. دیگر در خصوص بانک ملی و شرایط قرض دادن به دولت مذاکره شد.

روز یکشنبه ۲۵ محرم ۱۳۲۵ - امروز مجلس شورای ملی سری بود و در خصوص پول دادن به دولت مذاکره شد قرارداد که نصد هزار تومان نقد مجلس به دولت بدهند ولی با اطلاع مجلس به مصارف برسد و انگهی در مورد نظام که به دقت به اهل نظام برسد و صاحب منصبان حقوق تأمین را نخورند.

روز دوشنبه ۲۶ محرم ۱۳۲۵ - امروز روزنامه مجلس دو مکتوب درج کرده است که حال خراسانی و گیلانی را کاشف است و ما هر دو مکتوب را در این تاریخ خود درج می نمایم.

مکتوب خراسان نقل از ۵۳ مجلس

در اواخر ذیحجه خیر تغییر ایالت رسیده موجب تشکر و امتنان عامه گردید و از عزل آصف الدوله قید استبداد از گردن مردم گسیخته، دانستند که امور مجلس شورای ملی انشاء الله پیشرفت خواهد کرد. در ایام عاشورا در مجالس و محافل روضه خوانی و اجتماع دسته ها صحبت اقدام در تأسیس انجمن محلی و اتمام انتخاب و کلاء و شروع به کارها در میان مردم بود. از یک طرف هم اخبار شورش تبریز و حرکات غیرتمندان اهل آذربایجان در همراهی مجلس رسیده موجب تحریک خراسانیان شد، این بود که پس از فراغت از عزاداری روز چهاردهم جمعی از علماء و طلاب و تجار و کسبه به منزل جناب حجة الاسلام آقای حاجی میرزا حبیب الله مجتهد مدظله العالی اجتماع کرده جداً از ایشان درخواست کردند که باملت همراهی کرده انجمن را تأسیس نمایند و خودشان همه روزه حاضر باشند یا کسی را از جانب خود معین کنند که همه روزه حاضر باشند و الا ایشان را از ریاست ملت خارج دانسته دیگری را اختیار خواهند کرد جناب معظم هم کمال همراهی فرموده ولی از حضور خودشان همه روزه متعذر به کسالت مزاج و درد پا شدند که گرفتارند و کیل را هم شخصاً معین نکردند و فرمودند باید اعضاء مجلس به طور قرعه انتخاب شوند، نه به تعیین شخصی منتها چند نفر از علماء را اسم بنویسند و جناب حاجی شیخ محمد باقر نوغانی را هم بنویسند بعد قرعه بکشند به اسم هر کس در آمد، او برای ریاست مجلس و عضویت انجمن

شهری باشد؛ قرار بر این شد که چهار نفر از علما باید باشند بعد اسامی همه علما را نوشته قرعه کشیدند به اسم چهار نفر ذیل درآمد :

جناب حاجی میرزا ابوالقاسم بالاخیا بانی - جناب حاجی شیخ ذبیح الله قوچانی - جناب حاجی شیخ محمد باقر نوغانی - جناب آقا میرزا محمد باقر مدرس .

بعد جمعی که میل داشتند حاجی میرزا عبدالمجید خادمباشی و حاجی سید اسدالله قزوینی هم باشند ؛ این انتخاب را که آن دو نفر را از این کار محروم کرده بود ، منافی میل خود دانستند . هر چند آن دو نفر هم در مجلس حاضر بوده واسامی آنها را هم نوشته بودند [و] قرعه بر این ترتیب درآمد . اهل مجلس همه قبول کردند الا خادمباشی و اتباعش که هیچوقت داخل به قرعه و انتخاب نیستند و غیر از خودشان کسی را نمیخواهند مداخله کند ؛ آقای حاجی سید اسدالله شخصاً غرض ندارند و غالب مردم به ایشان مایل هستند حتی از مسافرت ایشان به طهران غالباً علما به همین ملاحظه مانع شدند که در اینجا وجودش بیشتر مفید است اما خادمباشی از اول خودش را به این کار داخل کرده می خواهد اسباب ریاستی برای خود فراهم بیاورد و چند نفر از اقوام و بستگان ایشان هم به همین خیال با ایشان همراهند . دوسه نفر از تجار هم به همین آرزو که خودشان جزء انجمن باشند و می دانند که اگر بنا به انتخاب شد آنها را کسی انتخاب نخواهد کرد ، لهذا به تعیین شخصی مایلند از آن جمله حاجی میرزا احمد ناظمالتجار تبریزی است از اول با خادمباشی همراه است و عامه مردم به این دو نفر بی میلند .

باری این دو سه نفر روز پانزدهم با جمعی از اتباع خود در مسجد جامع جمع شده و مردم را به بستن بازار و اجتماع در مسجد تحریک کردند . اهل بازار اول به گمان آنکه خبری تازه هست یا خدای نخواستہ برای مجلس طهران حادثه پیش آمده بعضی دکان ها را بسته در مسجد جمع شده بعد مطلب مکشوف شد که آقایان می گویند که به این قرعه و انتخاب راضی نیستیم باید خادمباشی رئیس مجلس باشد از آن طرف هم آقای حاجی میرزا حبیب الله کسی به مجلس فرستاده به مردم اعلام کرد که دکاکین را باز [کنید] و به کار خود مشغول باشید هر کس حرفی دارد عصری در منزل آقا حاضر شوند هر قسم میل عامه [باشد] دوباره گفت و گو و انتخاب نمایند . این بود که مردم متفرق شدند و بازار باز شد هنوز خبری تازه نشده اصلاً این اشخاص در صدد اسباب چینی هستند به این ملاحظه که خودشان داخل در کار باشند و علما و تجار و اعیان هم این مطلب را

دانسته راضی به بودن مشارالیه نیستند ؛ خوب است از مجلس شورای ملی تکلیف برای انجمن‌های محلی معین فرمایند و قرار را به انتخاب بگذارند که این گونه اشخاص ریاست طلب خود پسند داخل کار نباشند .

دیگر آنکه حضرت والا شاهزاده رکن الدوله یعنی مجد السلطنه وزیر ، تلگرافی به امین دفتر کرده هشتاد هزار تومان پول خواسته اند که از قسط سر کله حواله کرده که به توسط معین النجار خراسانی به طهران برسانند و این فقره موجب بعضی حرف‌ها شده و مردم را به هیجان آورده که در این اوقات پول به چه مصرف لازم است ؟ شهرت داده اند که از بابت پیشکش است در این خصوص مردم حرف دارند گویا جمعی به تلگراف خانه رفته به مجلس شورای ملی تلگرافاً عرض و اظهار داشته اند که حضرت والا این پول را برای چه می خواهند ؟ اگر از بابت مالیات است هنوز سال تمام نشده و تکلیف حکومت‌های جزء معلوم نشده مالیات از که باید بگیرند . و اگر برای پیشکش است که باز همان آش است و همان کاسه دیگر رعیت تاب تحمل این بار گران را ندارد هنوز جوابی نرسیده محتمل است این فقره موجب اغتشاش و شورش شود و آدم‌های آصف الدوله شهرت داده [اند] که از رکن الدوله دو بیست هزار تومان پیشکش گرفته اند و امسال از سال گذشته بدتر خواهد شد .

در ایام محرم روز هشتم یکی از الواط ، حسن نام ، که سابقه عداوت [دارد] با نایب بو تراب که نایب فراشخانه بیگلربیگی است و خودش یکی از اشرار است (و این حسن مدعی است که این نایب بو تراب باعث قتل برادرم حسین است) این ایام که حکومت معزول است و شهر به جهت عزاداری و جمعیت شلوغ (۱) در روز هشتم طرف صبحی در بازار سه گلوله به طرف نایب بو تراب انداخته او خودش را کنار کشیده يك نفر از کسبه خزدوز در جلوی دکان خود ایستاده گلوله به سینه او خورده و دیروز وفات کرد ؛ قاتل در مدرسه میرزا جعفر متحصن است و از ولایات جزء نیز بعضی اخبار بی نظمی می رسد خاصه در تربت و ترشیز که بیچاره مردم از تعدی حکام در عذابند مخصوصاً تربت که مصطفی میرزا پسر حاجی محمد میرزا آنچه از دستش بر آید کوتاهی نمی کند سه نفر را که دزد بوده اند به گنج گرفته و [از] بعضی از کسبه و غیره که مقصر می شوند جریمه های فوق الطاقه گرفته گاهی سیاست و نسق می کند آدم مهار می کند تعدیات این شاهزاده بسیار است برادر دیگرش در دولت آباد سرخس آتشی روشن کرده بود به حمایت آصف الدوله این قدر تعدی

و ستم کردند که چندی قبل بعضی از سوارهای جمشیدی با اهل و عیال و ایل و حشم کوچیده رفتند در خاک افغانستان آصف الدوله بعد از چند روز حاجی سلطان حسین میرزا امیر پنجه [را] که ریاست سوارهای خراسان را دارد فرستاد که شاید بتواند آنها را مراجعت دهد به آنها نرسید ، هر چه سفارش هم کردند ، قبول نکردند . آن هم این ایام به شهر مراجعت کرده [خلاصه] از این قبیل اخبار در سرحدات بسیار است پس از تحقیق عرض می شود ؛ از جمله ایرادات مردم به آصف الدوله این است که میدان توپخانه را تصرف کرده و به دیگران فروخته است در یک طرف گویا به حکم دولت برای وزارت گمرک و پست و صندوق و تذکره عمارت ساخته و مابقی را خود آصف الدوله با حاجی محمد حسن معاون التجار شرکت کرده حمام و کاروانسرا و دکاکین بسیار ساخته و اجاره داده و یک طرف را به حاجی محمد باقر تاجر باشی فروخته و هم کاروانسرا و دکاکین ساخته معلوم نیست که اراضی به اجازه دولت فروخته شده و وجه او به که داده شده ، یا اینکه به مردم بخشیده اند ؟

راپورت از سبلان

هیجان مردم در اخراج یکی از مستبدین همان طور است که سابقاً اطلاع داده ام البته او هم خالی از تهیه نیست جمعی از اهالی استبداد در خانه او استعدادی فراهم کرده اند مخارج ایشان را هم شخصاً می دهد . این اشخاص در این گیرودار هنری کرده که چند نفر از وکلای مجلس را با خود رایگان کرده به ادق تدابیر مجلس بلدی را متزلزل نمودند در واقع می توان گفت رشت مجلس بلدی ندارد . شاهد بر این مدعا آنکه دختری عارض بود به مجلس که ملا لطف الله روضه خوان رشتی به عنف با من درآویخته و سرمایه ازن گرفته ، و کلا دوروز در تحقیق این کار بودند گویا تصرفی در دختر شده ولی الله اعلم (۱) من بها و هنوز مطلب به قانون نوی ثابت نشده بود که یکی از آقایان فرستاد ملا لطف الله را آورد عمامه از سر او گرفت بدون عبا با بازوان بسته و پای برهنه از میان بازار به خدمت سپهدار فرستاد ، دودغه او را به چوب بستند یکی دیروز در حیاط حکومتی ، دویم امروز در جلو خان عمارت دولتی در حضور دو هزار تماشاچی . و مردم را انگشت تعجب به دندان که پیغمبر ما برای اثبات زنا قانونی نهاده وحدی قرار داده آیا این گونه ثبوت و این نحو حدود در کدام قانون است ؟ سپهدار چند نفری را مقرر داشته که در میان خلق به لطایف

الحیل و محاسن الکلم مردم را از هواخواهی عدالت منصرف دارند .

اینان جز ذکر محسنات استبداد و معایب عدالت و محاسن اطوار سپهدار سخن نمی گویند یا اللجب که اینان در ظاهر خود را فدائیان ملت قرار داده اند از قرار تحقیق شیوه جمعی از حکام بر این است که مردم را به طرف استبداد میل دهند ایستادگی شریعتمدار در قبال ملت و اجتماع استبداد در خانه او و اتحاد او با سپهدار و ترویج فدائیان سلطنت ، اوضاع استبداد را این جمله بر عاقل فطن مدلل می دارد که استبدادیان هنوز آرام نگرفته اند و در فکر کارند چیزی که اسباب خوف و اضطراب مردم است این است : از زمانی که سپهدار وارد شده لایزال سوار از پس سوار و قزاق از پی قزاق می رسد کاروانسراها پر شده ، مردم در حیرت که جهت آوردن این همه سوار و قزاق چیست ؟ قزاق های او چرا در مجال و بلدان در حرکتند ؟ ملت که با دولت نزاعی (۱) ندارد . امروز که اتفاق دولت و ملت است .

در روز جمعه دسته ای از قزاق با اسلحه در کمال قهرمانیت در بازارها [با] وضع غریب حرکت می نمودند که اسباب خوف و وحشت بیچارگان ضعفاء العقول شد ما باید بگوئیم خوف رعیت باعث بر آشوب است و آشوب رعیت مقدمات تباہی استبدادیان است و امور یضحک السفهاء منها و بیکی من عواقبها اللیب ، تا حال می گفتیم وحشی گری (۲) خلق از این است که قانون در میان نیست الحال می خواهند در تحت قانون آیند تخلف کنند ، لابد هر فرد فرد ملت مخالف خواهند تاخت در این صورت این حرکات مستبدانه را چه چیز باعث است ؟ آید رشت کسی برخلاف قانون تمدن حرکتی کرده است ؟ آیا مقصر قانونی را کسی حمایت کرده ؟ بلی خواهند گفت که اجماع خلق است بر شریعتمدار ، می گوئیم اگر شریعتمدار بر خلاف مجلس و قانون عدالت نبود ، چه کسی با او طرف بود ؟ این مرد چون خلاف قانون را طالب است ، لابد قانون مخالف خود را مطرود می خواهد در این صورت اسباب وحشت فراهم کردن وضعفا و نسوان و اطفال را به اضطراب آوردن چرا ؟ همین خوف رعیت است که ایشان را وادار می کند بر اقدام در کارها چنانکه مردم تنکابن چون از تعدیات پسر سپهدار به دارالخلافت شاکی شدند و او را احضار فرمودند ، مردم تنکابن دانستند که اگر چنگال خصم بر ایشان بند شود خرد (۳) شوند اتفاق بر نگهداری هم کردند ، چون شنیدند پسر دیگر سپهدار که در رکاب پدراز طهران آمده بود و عازم تنکابن بود تماماً در

رودس جمع [شدند] و سد طرق نمودند و مانع شدند از وصول. پسر سپهدار در لنگرود متوقف [شد] و اهل تنکابن در رودس جمع.

از آن مار بر پای راعی زند که ترسد سرش را بکوبد به سنگ

روز سه شنبه ۲۷ محرم ۱۳۲۵ - امروز دونفر ازوکلای قزوین که آقا شیخ حسین شهیدی و آقا میرزا حسین طبیب باشند، با هیئتی از مستقبلین و شئونات لازمه دو ساعت به غروب مانده وارد مجلس شدند بعد از تبریک و پذیرائی آقا شیخ حسین شهیدی گفت: بعد از رسیدن تلگراف احضاریه مجلس مقدس شورای ملی تمام اهالی قزوین شاد و خرم به دعای ذات اقدس شهرباری خلدالله ملکه رطب اللسان و توفیق و تایید و کلای محترم را خواستار شدند این جانبان هم امر مجلس محترم را اطاعت کرده حرکت نمودیم قریب سی هزار نفر تا دوفرسخ مشایعت کردند یک میدان که از عموم شایعین دور شدیم، قریب پنجاه نفر از جوانان اهل علم از سادات و غیر سادات به تعجیل به سمت ما می آمدند کالسکه را نگاه داشتیم [تا] رسیدند (۱) قرآنی بیرون آورده اظهار داشتند که ماها قریب پنج هزار نفر هستیم که تماماً قسم خورده و قرآن را مهر کرده ایم که هرگز مخالفت با مجلس شورای ملی ننمائیم و در همراهی با اوامر و نواهی مجلس از جان و مال خود به هیچوجه دریغ نکنیم از شما هم استدعا داریم که محض اطمینان با ما هم قسم شده قرآن را مهر نمائید ما هم قسم یاد نموده قرآن را مهر کردیم بعد گفتند مطلب دیگر ما این است که سلام ما را به مجلس مقدس شورای ملی رسانیده ازوکلای محترم اجازه بخواهید که روزی دو ساعت اجازه فرمایند لباس سربازی پوشیده مشق جان فشانی نمائیم عموم و کلا نهایت تحسین و تمجید از علوهمت و همراهی اهالی قزوین نمودند.

مذاکرات مجلس امروز در خصوص عالیه و اصلاح بودجه بود. دیگر قرائت تلگرافات متظلماً نه اهالی بود که خلاصه آنها از این قرار است:

ده روز است که بواسطه تعدیات فوق العاده دست از کار کشیده در قونسولخانه و تلگرافخانه متحصنین اجزاء حکومت اطراف قونسولخانه و تلگرافخانه متفرق هریک از ماها را که دست آورده به قدر امکان اذیت و آزار می نمایند امنیت بکلی مسلوب، خانه آقا سید ابراهیم [را] که از جمله متکلمین است چاییده اند و ای به حال ملتی که امناء دولت و ارکان مملکت موجبات آسایش آنها را این طور فراهم آرند.

آراء و کلا بر این قرار گرفت که به صدراعظم چیزی بنویسند و بعد مذاکره کردند که بعد از این کسی را که صاحب املاکی باشد در ناحیه ای، او را حکومت آن ناحیه ندهند. سعدالدوله گفت شما قانون عدلیه را درست کنید حاکم خواه مالک ملک باشد خواه نباشد،

خواه ظل السلطان باشد خواه غیر ظل السلطان، باری قرار شد که باز در این خصوص مذاکره نمایند و تعجیل در تدوین ننمایند .

روز چهارشنبه ۲۸ محرم ۱۳۲۵ - این روزها التاء مطالبی در میان مردم شده است که نتایج وخیمه را منتج است یکی آنکه مجلس تیولات را مطلقاً رد نماید . دیگر کسر حقوق جزئیة فقرا و ضعفا ؛ سویم نخواستن اهالی اصفهان ظل السلطان را . چهارم طرف شدن اهالی شیراز باقوام الملك که هر یک از این امور را موانعی است که شاید منجر به اختلاف شود .

وزیر مطبوعات هم با مدیر روزنامه تمدن طرف شده است جماعتی هم در حضرت عبدالعظیم هنوز باقی می باشند در هر صورت بوی خلاف و نفاق از اطراف استشمام می شود و لعل الله یحدث بعد ذلك امراء .

روز پنجشنبه ۲۹ محرم ۱۳۲۵ - مذاکرات مجلس امروز در باب قرائت نظامنامه بلدی بود که جمعی ذکر کردند امر اصفهان مقدم بر هر چیز است .

دیگر قرائت تلگرافات شیراز بود که جمعی از قوام الملك شکایت کرده بودند که قوام مانع انعقاد انجمن است بعضی گفتند مقدم بر هر چیز قانون عدلیه است جمعی از وکلا گفتند باید اولاً فکری نمود که مابین مجلس و اولیای دولت اتفاق و اتحاد حقیقی معنوی شود و وزراء مسئول هم قسم یاد نمایند و رفع این اختلافات بشود دیگر در باب وزراء هشت گانه مذاکره شد که یکی از مطالب ملت این بود که وزراء بیش از هشت نفر نباشند و وزیر همایون که نباید دارای این اسم و لقب باشد حالا او را وزیر پست هم نموده اند و دارای دو وزارت .

روز جمعه سلخ محرم الحرام ۱۳۲۵ - امروز انجمن مخفی در خانه جناب آقا میرزا سید علی تشکیل یافت و گفتگو از انعقاد و تأسیس انجمن های علنی بود که باید مجالس علنی تأسیس نمود و از انجمن جنوب که برای اهالی جنوب ایران عموماً و اهالی فارس و کرمان خصوصاً، منعقد شده است ؛ همراهی نمود و این انجمن را علنی نمود و در عرض این انجمن های علنی مجامع مخفی و سری تشکیل داد . ارشاد الدوله گفت اگر چه شماها هنوز اطمینان به من ندارید و من آنچه برای شما قسم بخورم باز سوء ظن شما رفع نخواهد شد لکن من و برادرهای من به حدی خدمت به مشروطه و وطن بکنیم که دیگر از برای شما سوء ظنی باقی نماند فعلاً ما باید داعی از طرف انجمن های مخفی به سایر بلدان ایران روانه داریم که مردم شهرها را به اتفاق و اتحاد دعوت نمایند و لکن ما باید برادران خود را بشناسیم که اگر در وقتی و مکانی محتاج به اعانت یکدیگر شویم ، دیگر معطلی نداشته باشیم . جناب آقا میرزا سید علی شیرازی گفت هنوز وقت معرفی نرسیده است همین اندازه که ما را می شناسید کفایت است پس از امتحان و اختیار قهراً اخوان را خواهید شناخت .

وقایع

ماه صفر ۱۳۲۵

روز شنبه غرة صفر ۱۳۲۵ - امروز مجلس سری بود و در خصوص بانک ملی مذاکره بود و قرار شد فعلاً از طرف بانک ملی یعنی از طرف همین مؤسسين چهارگروهر به دولت بدهند . عزل شاهزاده ظل السلطان از حکومت اصفهان امروز رسمی شد و مردم اصفهان راحت شدند .

روز یکشنبه دویم صفر ۱۳۲۵ - مذاکرات امروز در مجلس شوری قرائت تلگرافی [بود] از آذربایجان از طرف اجزاء پستخانه و گمرک تبریز از قرار مضمون ذیل :

حضور جناب احسن الدوله و کیل آذربایجان - اجزاء ادارتین از
از تعدیات رؤساء مجبوراً تعطیل در انجمن متحصن امضاء: ارفع السلطان - ادیب -
نعمت .

یکی از وکلای گفت به کرات عرض شده که بعد از معزولی مسیو نوز و بریم ادارتین گمرک و پست را لازم بود که وزارت مالیه يك نفر مدیر ایرانی معین نمایند که از روی بصیرت عمل کرد این دواذاره را ضبط کرده نگذارد مال دولت و ملت تفریط بشود و حال می بینیم که هیچ اقدامی نشده بلکه به اقتدار نوز و بریم افزوده اند و مسیو مورناد مجسمه صرف است و بی اجازه این دوتنفر هیچ کاری نمی تواند بکنند و تلگراف اجزاء گمرک و پست شاهد حال است باید به وزارت مالیه اظهار کرده و مطالبه جواب شود .

دیگر در باب انعقاد کمیسیون مخصوص که مرکب از وکلا و علما و رجال دولت باشد که عبارت از کمیسیون مصلحه است مذاکره شد که این کمیسیون در اتحاد و اتفاق بین دولت و ملت سعی نماید و نیز اصلاح کند اموری را که اتفاق می افتد .

دیگر خواندن رقعۀ صدارت را که به مجلس فرستاده بود و قریب به

این مضمون بود :